



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسئله ولایت فقیه که با توفیق پروردگار متعال مورد بحث ماست چند ویژگی دارد که این ویژگی ها در اغلب مسائل فقهی وجود ندارد لذا ما باید مقدمه به این ویژگی ها توجه داشته باشیم :

ویژگی اول :

ولایت فقیه از اهم مسائل زندگی انسان هاست زیرا با مسئله حکومت و سیاست که به سرنوشت انسان ها گره خورده مرتبط است یعنی وظائف و مقدرات اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی همگی با حکومت ارتباط دارند .

ویژگی دوم :

ولایت فقیه استمرار حکومت انبیاء و ائمه علیهم السلام و استمرار مشی و سیره و دنباله و ادامه کار آنهاست زیرا شکی نیست که یکی از اهداف انبیاء و ائمه علیهم السلام اقامه ی حکومت عدل بوده و در فرهنگ تشخیص حق و باطل حکومت فقیه نشان دهنده امتداد حق و سیره انبیاء اولیاء می باشد .

ویژگی سوم :

مسئله ولایت فقیه بسیار حساس و چالش آفرین است و مانند دیگر مسائل فقهی نیست زیرا از طرفی ولایت فقیه مستکبران و ظالمان و جباران که سیاست و حکومت را قبضه کرده اند و علماء و فقهاء و صلحاء را کنار زده اند و میدان را برای تاخت و تاز خودشان فراهم کرده اند و

مردم را در سایه ظلم و جور و فقر و بدبختی کشیده اند به چالش کشیده و از طرفی همین ولایت فقیه مستضعفان و محرومان و مظلومان جهان را امیدوار می کند و در برابر چشم آنها یک افق روشنی را نمایان می سازد و آنها پناه خودشان را در همین مسئله ولایت فقیه می بینند زیرا ادامه ولایت انبیاء و اولیاء می باشد فلذا مردم مسلمان نیز با بذل جان و مال ولایت فقیه را یاری می کنند و با همان دیدی که به جنگ خیبر و حنین و بدر نگاه می کنند به ولایت فقیه نیز می نگرند و خلاصه اینکه این تحولی که الان در کل دنیا می بینید نتیجه اثر گذاری همین ولایت فقیه می باشد و بالاخره حضرت امیر علیه السلام نیز در نهج البلاغه فرمودند : ﴿ فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَّتُ طَائِفَةً وَ مَرَقْتُ أُخْرَى وَ قَسَطَ آخَرُونَ ﴾ که اینها برای حکومت بود که آن مسائل را بوجود آوردند .

ویژگی چهارم :

غریب ترین و مظلوم ترین مسئله همین ولایت فقیه است چراکه می بینیم برخی مسئله ای با این اهمیت و تأثیر گذاری را انکار کرده و گفته اند ولایت فقیه همان ولایت محدوده است یعنی محدود به ولایت بر غُیْب و قُصْر و مجنون و امثال ذلک می باشد .

ویژگی پنجم :

مسئله ولایت فقیه أدله بسیاری دارد و کمتر مسئله ای داریم که انقدر دلیل عقلی و نقلی برای آن ذکر شده باشد و خلاصه اینکه ولایت فقیه یک بحث فقهی کلامی فلسفی تاریخی روائی و قرآنی می باشد، بنابراین مقدمه

بايد توجه و دقت داشته باشيم که مسئله ولايت فقيه داراي ويژگي هايي که عرض شد می باشد .

خوب و اما چند سطر از جواهر را برای روشن شدن مطلب می خوانيم، صاحب جواهر از جمله کسانی است که جداً قائل به ولايت فقيه به معنای وسيع می باشد، ایشان می فرماید : « وكفى بالتوقيع الذي جاء للمفيد من الناحية المقدسة (لِلأَخِ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤَلَّى الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمُخْصُوصُ فِينَا بِالْيَقِينِ)^۱ وما اشتمل عليه من التبجيل والتعظيم، بل لولا عموم الولاية لبقى كثير من الأمور المتعلقة بشيعتهم معطلة فمن الغريب وسوسة بعض الناس في ذلك، بل كأنه ما ذاق من طعم الفقه شيئاً، ولا فهم من لحن قولهم ورموزهم أمراً، ولا تأمل المراد من قولهم إني جعلته عليكم حاكماً وقاضياً وحجة وخليفة (اشاره به مقوله عمر بن حنظله) ونحو ذلك مما يظهر منه إرادة نظم زمان الغيبة لشيعتهم في كثير من الأمور الراجعة إليهم، ولذا جزم فيما سمعته من المراسم بتفويضهم عليهم السلام لهم في ذلك »^۲.

صاحب جواهر بعد از ذکر مطالبی که خوانديم می فرماید : « نعم لم يأذنوا لهم في زمن الغيبة ببعض الأمور التي يعملون عدم حاجتهم إليها، كجهاد الدعوة المحتاج إلى سلطان وجيوش وأمراء ونحو ذلك مما يعلمون قصور اليد فيها عن ذلك ونحوه وإلا لظهرت دولة الحق كما أوماً إليه الصادق عليه السلام بقوله: لو أن لي عدد هذه

الشويهاات وكانت أربعين لخرجت وبالجمله فالمسألة من الواضحات التي لا تحتاج إلى أدلة »^۳.

حضرت امام رضوان الله عليه برخلاف فرمايشات پایانی صاحب جواهر می فرماید ما می توانيم و حتی مأموريم به اینکه لشگر فراهم کنیم و انقلابمان را صادر کنیم و دعوت به اسلام کنیم و اتفاقاً امام رضوان الله عليه تمام این کارها را انجام دادند، البته زمان صاحب جواهر زمانی بوده که همه مأيوس بوده اند از اینکه کسی قیام کند و حکومتی تشکیل دهد و ولايت فقيه را عملی کند . بقيه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

^۱ بحار الانوار، جلد ۵۳ طبع جديد، صفحه ۱۷۴.

^۲ جواهر الكلام، جلد ۲۱ جواهر ۴۳ جلدی، صفحه ۳۹۷.

^۳ جواهر الكلام، جلد ۲۱ جواهر ۴۳ جلدی، صفحه ۳۹۷.